Original Article Open Access



Child Rights Journal

2023; 4(16): 25-41

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

Criminal Justice for Delinquent Children and Teenagers Emphasizing the Convention on the Rights of the Child

Seyede Parisa Mirabi[1]

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The realization of judicial justice is one of the issues of children's rights in conflict with the law, which is in line with fair behavior and performance with emphasis on the best interests of the child, which includes supporting the right to a fair trial and the right to participate effectively in the proceedings.However, the Convention on the Rights of the Child recognizes the right to respect for children accused or guilty of violating the law and the necessary legal measures in actions without recourse to judicial proceedings and actions within the framework of judicial proceedings to support them to compromise with society and take responsibility It has predicted a constructive role. The current research examines the issue of criminal justice for delinquent children and juveniles with descriptive and analytical methods and by using library studies of the laws of the Children's Convention and the theories of the Committee on the Rights of the Child. As a result, government policies in the judicial justice system should be managed according to the standards of the convention, considering the constructive role of children in society and their best interests.

Method: The present research intends to study the chils rights Convention and the theories of the Committee on the Rights of the Child in the issue of criminal justice for delinquent children and juveniles by using the descriptive and analytical method and using library studies.

Results: The findings indicate that the standards of human rights have stipulated that delinquent children should be dealt with in a separate platform and subject to criminal justice responses. Therefore, the conclusion of these human rights doctrines in the scope of criminal justice is that criminal policy makers "individualize criminal justice responses" identify as a comprehensive/general principle of criminal law.

Conclusion: In the light of the application of criminal considerations for delinquent children and teenagers, government policies in the judicial justice system should be managed according to the standards of the convention, considering the constructive role of children in society and their best interests.

Keywords: Judicial Justice; Child and Juvenile Delinquency; Child Rights; Child Rights Convention

Corresponding Author: Seyede Parisa Mirabi; **Email:** parisamirabilawyer@gmail.com

Received: October 08, 2022; **Accepted:** November 13, 2022

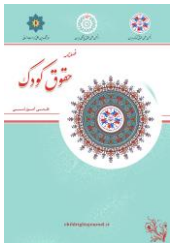
Please cite this article as:

Mirabi SP. Criminal Justice for Delinquent Children and Teenagers Emphasizing the Convention on the Rights of the Child. Child Rights Journal. 2022; 4(16): 25-41.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره چهارم، شماره شانزدهم، زمستان 1401، صفحات 41-25

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

عدالت کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌کار با تأکید بر کنوانسیون حقوق کودک

سیده‌پریسا میرابی[1]

1. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تحقق عدالت قضایی یکی از موضوعات حقوق کودکان در تعارض با قانون در راستای رفتار و عملکرد منصفانه با تأکید بر مصالح عالیه کودک است که شامل حفظ و حمایت از حق محاکمه عادلانه و حق مشارکت مؤثر در دادرسی می‌باشد، لیکن کنوانسیون حقوق کودک حق احترام به کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون را به رسمیت شناخته و تدابیر قانونی لازم در اقدامات بدون توسل به دادرسی قضایی و اقدامات در چارچوب دادرسی قضایی را جهت حمایت از آن‌ها برای سازش با جامعه و به عهده‌گرفتن نقشی سازنده پیش‌بینی کرده است.

روش: پژوهش حاضر بر آن است با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای قوانین کنوانسیون کودک و نظریه‌های کمیته حقوق کودک در موضوع عدالت کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌کار را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که موازین حقوق بشری مقرر داشته‌اند، کودکان بزه‌کار در یک بستر جداگانه تحت رسیدگی و مشمول پاسخ‌های عدالت کیفری قرار گیرند، بدین‌ترتیب ره‌آورد این آموزه‌های حقوق بشری در گستره عدالت کیفری این است که سیاستگذاران جنایی «فردی‌سازی پاسخ‌های عدالت کیفری» را به عنوان یک اصل فراگیر/ عمومی حقوق کیفری شناسایی نمایند.

نتیجه‌گیری: در پرتو اعمال ملاحظات کیفری جهت کودکان و نوجوانان بزه‌کار باید سیاستگذاری دولت‌ها در نظام عدالت قضایی با توجه به نقش سازنده کودکان در جامعه و منافع عالیه آن‌ها، مطابق استانداردهای کنوانسیون مدیریت شود.

واژگان کلیدی: عدالت قضایی؛ بزه‌کاری کودک و نوجوان؛ حقوق کودک؛ کنوانسیون حقوق کودک

نویسنده مسئول: سیده‌پریسا میرابی؛ **پست الکترونیک:** parisamirabilawyer@gmail.com

تاریخ دریافت: 1401/07/16؛ **تاریخ پذیرش:** 1401/08/22

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mirabi SP. Criminal Justice for Delinquent Children and Teenagers Emphasizing the Convention on the Rights of the Child. Child Rights Journal. 2022; 4(16): 25-41.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

آسیب‌پذیری کودکان نسبت به سایر گروه‌های سنی موجب طرح یک رژیم حقوقی خاص برای کودکان شد، زیرا کودکان در مراحل مختلف رشد نیازمند رسیدگی‌های خاصی هستند و مانند بزرگسالان در زندگی اجتماعی یا سیاسی و حتی برای زنده‌ماندن خود وابسته به دیگران هستند. برخلاف سایر افراد آسیب‌پذیر، رفاه کودکان به والدین و سرپرستان آن‌ها سپرده می‌شود و از این رو بسیاری مسائلی مربوط به کودکان به طور سنتی از دریچه روابط خانوادگی و قوانین خانواده قابل درک است.

بزه‌کاری از گذشته تاکنون، پیوسته در بین کودکان و نوجوانان وجود داشته، ولی از قرن نوزدهم تخلف و قانون‌شکنی و عوامل ایجاد آن در این گروه سنی مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است. در واقع اصطلاح «جرائم اطفال» یا «بزه‌کاری خردسالان برای اولین‌بار در سال 1815 در کشور انگلستان توسط «پیتر بدفورد (Peter Bedford)» مؤسس انجمن پیشگیری از جرائم اطفال مطرح شد، سپس در سال 1823 ابتکار و کوشش‌های مشابهی توسط برخی از مربیان و محققین آمریکایی در اتازونی به مرحله عمل گذاشته شد (1).

امروزه بزه‌کاری طیف گسترده‌ای از عوامل را شامل می‌شود و برای همه قابل قبول است که یک کودک بزه‌کار خود بزه‌دیده شرایط و محیط اجتماعی (خانواده، مدرسه، دوستانه، محله، فقر و...) است که در صورت عدم حمایت و حفاظت لازم از این کودکان، تبدیل به یک مجرم بزرگسال محتمل می‌شود؛ یکسان‌شمردن تحقق عدالت کیفری در یک کودک با یک بزرگسال اشتباه است، زیرا احتمال بیشتری وجود دارد که نقایص شخصیتی طفل یا نوجوان اصلاح شود. از طرفی، نادیده گرفتن اهمیت پیشگیری از بزه‌کاری اطفال و تعامل میان نظام قضایی اطفال و سایر نظام‌های مربوط به کودکان و خانواده‌های آن‌ها مانند نظام‌های رفاهی، قواعد حفاظت از کودکان یا روش مراقبت‌های بهداشتی (روانی)، تحقق عدالت را ناممکن می‌سازد.

از نظر برخی روان‌شناسان «هر عاملی که مانع رشد سالم کودکان از نظر جسمانی و عاطفی شود، ممکن است باعث ایجاد یک طرح و الگوی اختلالات عاطفی گردد که همیشه ریشه رفتارهای ضد اجتماعی مجرمانه است، این رفتارها وقتی از طرف جوانان صورت گیرد، بزه‌کاری نوجوانان خوانده می‌شود» (2). جامعه‌شناسان به این مفهوم نگاه وسیع‌تری دارند و بر این باورند که بزه شامل تعدادی زیادی از سرپیچی‌های مختلف از هنجارهای قانونی و اجتماعی از اختلافات کوچک گرفته تا جرائم شدید می‌شود که از سوی اطفال ارتکاب می‌یابد (3).

پس از جنگ جهانی اول، جامعه ملل در سال (1919 م.) کمیته‌ای برای حمایت از کودکانی که در جنگ آواره گشته و خانواده‌های خود را از دست داده‌اند، تشکیل داد. کنفرانس بین‌المللی کار (1919 م.) نیز در راستای حمایت و حفاظت از کودکان معیار حداقل سن را تصویب کرد. دو سال بعد، در سال 1921 جامعه ملل، کنوانسیون منع تجارت زنان و کودکان را به تصویب رساند (4)، سپس اعلامیه حقوق کودک در سال 1924 (5)، بر نیازهای اقتصادی اجتماعی و روانی کودک صحه گذاشت (6). اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948 م.) در ماده 12 به حق خلوت خانواده، ماده 16(3) بر لزوم وجود خانواده به عنوان واحد طبیعی و بنیادین جامعه، ماده 25(2) حق زندگی و سلامت رفاه برای همه و کودکان خواه مشروع یا نامشروع متولد شده باشند، در ماده 26 نسبت به حق آموزش و پرورش در کودکان تأکید داشته است. همچنین اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی بسیاری، از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (1950 م.)، اعلامیه حقوق کودک (1959 م.)، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک (1989

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

م.)، کنوانسیون اروپایی در خصوص اجرای حقوق کودک (1996 م.)، حفظ و حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان را توصیه نموده‌اند.

حقوق بین‌الملل کودکان، همانطور که در کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد نیز تصویب شده است، با هدف حمایت از حقوق و منافع همه کودکان، کشورهای عضو را مکلف نموده حق هر کودکی که متهم به نقض قوانین کیفری شده، به رسمیت بشناسند و به گونه‌ای با آن‌ها رفتار کنند که هم باعث ارتقای ارزش و کرامت کودک شود و هم موجبات احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی وی و دیگران را تقویت کرده و منتج به مطلوبیت پیوستن مجدد کودک به جامعه و ایفای نقش سازنده آن در جامعه گردد. در این راستا جداسازی یا افتراقی‌سازی حقوق کیفری کودکان (که عمدتاً در آموزه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسی ریشه دارد) پاسخ منصفانه و عدالت‌مداری را با توجه به هر یک از دسته‌های بزه‌کاران و با در نظرگرفتن خصوصیات فردی و اجتماعی آن‌ها پیش‌بینی نموده که منتج به تکامل آن‌ها گردد.

از این رو موازین حقوق بشری در شکل‌گیری این شاخه تأثیرگذار بوده تا از این رهگذر کودکان بزه‌کار در یک بستر جداگانه تحت رسیدگی و مشمول پاسخ‌های عدالت کیفری قرار گیرند، بدین‌ترتیب ره‌آورد این آموزه‌های حقوق بشری در گستره عدالت کیفری این است که سیاستگذاران جنایی «فردی‌سازی پاسخ‌های عدالت کیفری» را به عنوان یک اصل فراگیر/ عمومی حقوق کیفری شناسایی کردند (7).

روش

این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی چارچوب بین‌المللی حقوق کودکان برای تحقق عدالت کودکان و نوجوانان را روشن می‌کند و عوامل مولد بزه‌کاری کودکان و نوجوانان با توجه به اهمیت پیشگیری از بزه‌کاری و تعامل بین سیستم قضایی کودکان و نوجوانان و سایر سیستم‌های مربوط به کودکان و خانواده‌های آن‌ها (مانند سیستم رفاهی، سیستم حفاظت از کودکان یا سیستم مراقبت‌های بهداشتی ـ روانی) جهت کاهش بزه‌کاری یا بازگشت مجدد آن‌ها در جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد، لذا با تدقیق کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی به محورهای حق هر کودک در تحقق عدالت و رفتار منصفانه، با احترام به کرامت ذاتی او، رویکردی خاص در سامانه عدالت کیفری را تحلیل و ماهیت سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای کودکان و نوجوانان را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این راستا پژوهش فوق سؤال ذیل را مطرح می‌نماید: کنوانسیون حقوق کودک چه رویکردی بر عدالت کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌کار اتخاذ کرده است؟ بنابراین عوامل مؤثر بزه‌کاری کودکان را بررسی و سپس با مداقه اسناد بین‌المللی در حمایت و حفاظت از کودکان بزه‌کار، معیارهای عدالت کیفری در کنوانسیون حقوق کودک در راستای حمایت و حفاظت از آن‌ها مورد واکاوی قرار می‌دهد.

یافته‌ها

1. عوامل مؤثر در بزه‌کاری کودکان و نوجوانان: یکی از مهم‌ترین وظایف هر جامعه‌ای حمایت از کودکان و تلاش برای بازتولید نیروی انسانی بهنجار است و زمانی که موضوع کودکان بزه‌کار به میان می‌آید، اهمیت و لزوم حمایت از آن‌ها برای تداوم حضور بهنجار در جامعه چندین برابر می‌شود که معمولاً هر جامعه‌ای بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خودش برای آن تمهیداتی در نظر دارد، لذا بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر در بزه‌کاری به منظور پیشگیری از بزه و شناسایی و حفاظت از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

کودکان در معرض خطر بزه حائز اهمیت است که به آن خواهیم پرداخت.

1-1. ماهیت شخصیتی کودک: حق زیستن به عنوان سرآغاز حقوق بنیادین کودک جهت رشد و بالندگی شخصیت کودک از حیث تمامیت جسمانی و معنوی در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است (8). اعلامیه حقوق کودک (1959 م.) اهلیت کودک را از زمان تولد مورد شناسایی قرار داده است (9). کنوانسیون حقوق کودک نیز در مقدمه به لزوم مراقبت و محافظت از کودکان به جهت نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی، از جمله حمایت حقوقی قبل و بعد از تولد تأکید نموده است.

یکی از عوامل مؤثر در ماهیت شخصیت کودک جنسیت اوست. جنسیت و سن از عوامل مؤثر در نحوه جامعه‌پذیری و هنجارهای رفتاری در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. در جامعه شیوه زندگی و عمل با مد نظر قراردادن دو جنس و بر اساس خصائص سرشتی آن‌ها، رشد و تربیت می‌یابند که به تناسب امکان، شرایط و توانایی‌های جسمی، روانی و عاطفی متفاوت است. منابع متعدد آماری نشان می‌دهد ارتکاب رفتارهای بزه‌کارانه توسط نوجوانان پسر به نسبت دختران بسیار بیشتر است. بیشتر اتهاماتی که به پسران وارد می‌شود، شامل رفتارهای پرخاشگرانه (مانند تهاجم، دزدی، سوءمصرف مواد مخدر، تخریب اموال و...) بوده است و دختران معمولاً به دلیل فرار از خانه و رفتار جنسی غیر مجاز به پلیس معرفی می‌شوند (10).

از طرفی، نظریه رشدمدار در جرم‌شناسی اثباتی، متغیر «سن» را نیز از مؤلفه‌های تحقق جرم در نظر گرفته است. پیرو نظریه فوق، میزان بزه‌کاری در سن نوجوانی افزایش یافته و در پایان این دوره به اوج می‌رسد، سپس روند تدریجی کاهش را طی می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که تقریباً در اکثر جوامع امروزی با تکیه بر ارجح‌دانستن جنس (مذکر)، جامعه‌پذیری بر اساس جنس افراد شکل می‌گیرد (11).

علاوه بر جنسیت و سن، سلامت جسمی و روحی نیز در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثر است، زیرا نقایص جسمی یکی از عوامل مؤثر در بروز ناهنجاری‌های اخلاقی محسوب می‌شود. اهمیت توجه به این مسأله در ماده 23 کنوانسیون کودک مورد توجه قرار گرفته و کشورهای عضو را به حمایت از کودکانی که از نظر ذهنی یا جسمی دچار نقص هست، ملزم نموده است.

منبع کنترل نیز از ویژگی‌های شخصیتی است که با کنش یا واکنش‌های افراد در جامعه‌پذیری مرتبط است که ریشه در الگوهای رفتاری والدین، دوستان یا اطرافیان و محیط پیرامون کودکان دارد. افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند موفقیت‌ها و شکست‌های خود را عموماً به شخص خود (کوشش‌ها یا توانایی‌های شخصی) نسبت می‌دهند و افرادی که دارای منبع کنترل بیرونی هستند موفقیت‌ها و شکست‌هایشان را به عوامل بیرون از خود (بخت و اقبال یا دشواری موقعیت‌ها) منتسب می‌دانند. بنابراین کودکان و نوجوانانی که دارای کنترل بیرونی معمولاً سلطه‌پذیرند و بیشتر در معرض بهره‌کشی، ناسازگاری‌ها و رفتارهای بزه‌کارانه در فضای سایبری یا حتی فضای سنتی قرار دارند.

بنابراین ویژگی‌های شخصیتی ازجمله، شخصیت ضد اجتماعی (با مشخصات بارز خودمحوری، فریبندگی، بی‌رحمی، خشونت، تظاهر به دلسوزی، عدم احساس مسئولیت و لجبازی و...)، شخصیت خودشیفته (با ویژگی بارز خودمحوری، نیازمند تمجید و توجه دیگران، بی‌توجهی به احساسات و نیازهای دیگران، مشکلات خود را در سطح بسیار بالا پنداشته که فقط قابل درک در افراد هم‌سطح خودشان می‌باشد و...)، شخصیت برون‌گرا (با

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

ویژگی لذت‌جویی، هیجان و ماجراجویی، رفیق‌باز، معاشرتی، غیر قابل اعتماد و...) و شخصیت هیستریونیک و نمایشی (مشخصه بارز آن‌ها بیان اغراق‌آمیز، هیجانی، روابط طوفانی، نگرش خودمدارانه و تأثیرپذیری از دیگران است) مستعد ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتارهای نسنجیده مانند فرار از خانه یا مدرسه می‌باشند (1).

از سوی دیگر گسترش جوامع همگام با توسعه فناوری‌ها، تحولات اساسی در رفتارهای مجرمانه ایجاد کرده است، به گونه‌ای که آن دسته از رفتارهای انسانی (فعل یا ترک فعل) که به شکل سنتی جرم تلقی می‌شد، امروزه در عصر اطلاعات و ارتباطات و در بستر فضای سایبری، جرائم خاص و پیچیده‌ای را شکل داده است. امروزه تمامی گروه‌های سنی و اقشار مختلف جامعه از فضای سایبری و اینترنت استفاده می‌کنند. کودکان و نوجوانان نیز به عنوان بخشی از جامعه روز به روز گرایش فزاینده‌ای به فضای مجازی پیدا می‌کنند. این گرایش‌ها ممکن است نشأت‌گرفته از حس کنجکاوی و هیجانات قوی نوجوانان باشد یا در راستای اهداف آموزشی و سرگرمی که به جهت محدودیت پاندمی کرونا ایجاد شده باشد، لذا باید توجه داشت که ویژگی‌های خاص فضای سایبری می‌تواند باعث گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی در سطح وسیع و نامحدود جغرافیایی گردد. از این رو استفاده گسترده از رایانه و تلفن همراه با اهداف آموزش، سرگرمی، اشتغال مستلزم آگاهی از بهداشت‌کار با رایانه (وسایل کار با رایانه، موقعیت فیزیکی بدنی) و اصول اخلاقی در فضای سایبری (ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی)، امنیت اطلاعات (استفاده از رمز عبور، ذخیره جداگانه داده‌ها، رمزنگاری فایل‌ها، نصب نرم‌افزارهای ضد ویروس و...)، نحوه مواجه و مقابله با تهدیدات سایبری جهت پیشگیری از بزه ضروری می‌باشد.

2-1. امنیت در محیط خانواده و مدرسه: خانواده اولین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه محسوب می‌شود که شخصیت هر شخص در آن شکل می‌گیرد. بنابراین سلامت روانی محیط خانوادگی، نحوه رفتار و سطح سواد والدین همواره به عنوان الگویی تأثیرگذار در کنترل شخصیتی و شکل‌گیری شخصیت هر کودک است (12). سطح سواد والدین از عوامل مؤثر بر کنترل و نظارت در روابط کودکان در محیط واقعی و یا فضای مجازی است که سبب پیشگیری و جلوگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان می‌شود. مسلم است که خانواده‌های ازهم‌گسیخته (حضور ناپدری و یا نامادری، تبعیض بین فرزندان، تنبیه، خشونت والدین، اعتیاد اعضای خانواده، طلاق، کثرت اولاد در خانواده و...)، موجب بروز ناهنجاری‌های شخصیتی، دلسردی، فرار از خانه و مشکلات عدیده‌ای در کودکان و نوجوانان خواهند شد که روند جامعه‌پذیری آن‌ها را مختل می‌نماید.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که رابطه آن با بزه‌کاری مطرح است وضعیت اقتصادی و مسکن خانواده است، لذا وضعیت نامناسب اقتصادی، سکونتگاه پرجمعیت، کاهش فضا و قلمرو شخصی می‌تواند زمینه مزاحمت و تعرض را افزایش و شرایط مناسبی برای ارتکاب بزه‌کاری را فراهم سازد که این مسأله را می‌توان با نظریات مهم جرم‌شناسی مانند نظریه بی‌هنجاری دورکیم و مکتب شیکاگو تطبیق داد.

پس از خانواده مدرسه به عنوان عامل جامعه‌پذیری کودکان و نقش مهم آن‌ها در انتقال دانش محسوب می‌شود. به زعم دورکیم، مدرسه میانجی اخلاق عاطفی و اخلاق سخت زندگی در جامعه است (13). مطابق نظریه هیرشی هرچه میزان فعالیت اجتماعی ـ اقتصادی در جامعه بیشتر باشد، فرصت کمتری برای کج‌روی مهیا می‌شود. مطابق عقیده برخی روان‌شناسان عواملی از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

جمله سرزنش یا تنبیه در شکست تحصیلی، محرومیت از تحصیل موجب یاس و بدبینی و پرخاشگری و در نهایت از عوامل انحرافات و اعمال خلاف می‌باشد (14). جرم‌شناسان فرار از مدرسه را انعکاس نامطلوب روش‌های غلطی می‌دانند که در مدارس اعمال می‌شود و منجر به بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری نوجوانان می‌گردد. از طرفی مسلم است که مدارس به تنهایی قادر به کنترل یا کاهش ناهنجاری‌های رفتاری نوجوانان نخواهند بود، بلکه همکاری و تلاش در سطح کل جامعه می‌تواند مؤثر واقع گردد.

1-3. روابط اجتماعی و اقتصادی: پیرو نظریه انتقال فرهنگی ساترلند و مکتب شیکاگو، کژروی یا ناهنجاری‌های رفتاری عموماً از طریق گروه‌های دوستی، محله و یا خانواده آموخته می‌شود، زیرا میزان معاشرت نوجوانان با دوستان یا گروه‌های دوستی که ناهنجاری‌ها به عنوان هنجار و قواعد گروه دوستی معرفی شده و برای اینکه آن‌ها به دلیل هیجانات سنی و پیروی قواعد گروه بتوانند احترام و اعتبار را در گروه‌های ناهنجار را کسب کنند، مرتکب رفتارهای خطرناک، بزه‌کاری یا بزه‌دیدگی گردند. کودکان و نوجوانان در خانواده‌های طبقه پایین جامعه یا دارای شخصیت برون‌گرا که فاقد مهارت‌های لازم جهت نیل به موفقیت‌های اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی هستند و غالباً از سوی فرهنگ‌های رسمی جامعه (خانواده، مدرسه) رانده می‌شوند، به سوی فرهنگ نزدیک خود در گروه‌های بزه‌کاری سوق داده می‌شوند که حتی ممکن است وارد سازمان‌های تبهکارانه یا قاچاق مواد مخدر یا انسان گردند. نظریه خرده‌فرهنگ بزه‌کاری که مؤید این مسأله است به نحوه تأثیر گروه‌ها و دسته‌های نوجوانان بزه‌کار در رفتار اعضای خود پرداخته است (15). همچنین مطابق نظریه یادگیری اجتماعی، مفهوم تقلید یا مدل‌سازی به عنوان مفهوم محوری فرایند یادگیری مطرح شده که کودکان و نوجوانان باملاحظه رفتار دیگران وارد فرایند یادگیری می‌شود (6)، در این صورت، رفتار دوستان، خانواده، معلم و حتی شخصیت‌های کارتونی یا سینمایی می‌تواند رفتار پسندیده یا خشونت‌آمیز را در رفتار الگوبرداری نماید.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که رابطه آن با بزه‌کاری کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته، مسأله «مسکن و سکونتگاه» است. بافت اجتماعی شهرهای بزرگ، سکونتگاه پرجمعیت، کاهش نظارت رسمی و یا غیر رسمی فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می‌کند. شاو و مک کِی (Shaw & Mc Kay) بر پایه نظریه «سکونتگاه» بر این باورند که بزه‌کاری در محله‌هایی نمایان می‌شود که گرفتار بی‌سامانی و آشفتگی هستند که به تدریج با ایجاد یک‌خرده فرهنگ محله‌ای به رواج بزه‌کاری در ناحیه فقیرنشین می‌انجامد (16). نظریه انحراف فرهنگی بر این اعتقاد است که جرائم نوجوانان نتیجه تمایل آن‌ها به پیروی از ارزش‌های فرهنگی محیط پیرامونشان است که باارزش‌های جامعه بزرگ‌تر در تضاد می‌باشد. آلبرت کوهن (Albert Cohen) بر این نظر است که رفتار بزه‌کارانه اغلب در میان طبقه فقیر جامعه از طریق عملکرد «غیر سوداگرانه»، «بدخواه»، «منفی‌گرا» در نوجوانان دیده می‌شود که در واقع اعتراضی علیه هنجارها و ارزش‌های طبقه متوسط یا کلان جامعه است، لذا فشار خردکننده فقر، شرایط نابسامان اقتصادی در خانواده‌های فقیرنشین موجب عدم توجه به کودکان و نوجوانان در تعلیم و تربیت صحیح آن‌ها و در نتیجه پرورش فرزندانی فاقد مهارت‌های لازم کسب موفقیت‌های اجتماعی و اقتصادی و در برخی موارد طردشدن آن‌ها از اجتماع می‌شود. همچنین تضاد طبقاتی فاحش در جامعه موجب می‌شود که نوجوانان امکانات لازم برای نیل به اهداف متعارف جامعه را نداشته باشند و در نهایت،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

دشمنی در مقابل سایر ارزش‌های جامعه نمود پیدا می‌کند. بر این اساس، نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی (Travis Hirschi) پایبندی شخص نسبت به جامعه و ارزش‌های آن را وابسته به چهار عنصر دل‌بستگی، پایبندی، اعتقاد و مشارکت می‌داند.

1-4. حمایت دولت از کودکان و نوجوانان: پیش از قرن بیستم تمایز اندکی بین نوع مجازات میان کودکان و بزرگسالان وجود داشت. تلاش‌های جنبش طرفداران حقوق کودک منجر شد که مفهوم بزه‌کاری در اوایل قرن بیستم مطرح شود. جایگاه مجزای بزه‌کاری نوجوانان در نظریه «قیمومت حکومتی» مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این نظریه کودکان را نمی‌توان همچون بزرگسالان در موقع ارتکاب بزه گناهکار دانست و آن‌ها را مجازات کرد. اقدام علیه آن‌ها بیشتر اقدام مدنی است که بر نیاز آن‌ها به درمان تأکید می‌کند (17). بر مبنای این نظریه کودکان ناقض قانون نیاز به مراقبت‌های درمانی جهت اصلاح ناهنجاری‌های رفتاری دارند و مداخله دولت و قانون در زندگی آن‌ها به جهت ناتوانی در مراقبت از خویش لازم می‌باشد.

بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف هر دولتی حمایت از کودکان و تلاش برای بازتولید نیروی انسانی بهنجار است و زمانی که موضوع کودکان بزه‌کار به میان می‌آید اهمیت و لزوم حمایت از آن‌ها برای تداوم حضور بهنجار در جامعه چندین برابر می‌شود که معمولاً هر جامعه‌ای بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خودش برای آن تمهیداتی در نظر دارد. ماهیت سیاستگذاری دولت‌ها و نحوه پاسخ‌دهی عدالت کیفری در کودکان و نوجوانان بزه‌کار که در مرحله رشد و شکل‌گیری شخصیت قرار دارند، بسیار حائز اهمیت است، زیرا فقدان این حمایت کودکان را با آسیب اجتماعی، جسمی و روانی مواجه نموده و زمینه بروز بزه‌کاری و بزه‌دیدگی فراهم می‌کند.

2. اسناد بین‌المللی در عدالت کیفری کودکان و نوجوانان: سازمان ملل متحد بر اساس حداقل استانداردها، اداره امور تشکیلات قضایی مربوط به نوجوانان (حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت نوجوانان (18) (قوانین پکن، 1985 م.) که اولین مجموعه استانداردهای مربوط به عدالت اطفال در سطح بین‌المللی بود، تدوین کرد. قوانین مربوط به طیف گسترده‌ای از جنبه‌های عدالت اطفال، از جمله حداقل سن مسئولیت کیفری، تحقیقات و تعقیب، قضاوت و... پیش‌بینی نموده است.

در سطح بین‌المللی، دو سند دیگر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1990 تصویب شد: قوانین سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (همچنین به عنوان قوانین هاوانا شناخته می‌شود) پیرو قطع‌نامه 45/113 مجمع عمومی (قوانین سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (قوانین هاوانا، 1990 م.) (19) و سند دیگر دستورالعمل‌های سازمان ملل برای پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان (دستورالعمل‌های ریاض) اعلام‌شده در قطع‌نامه 45/112 مجمع عمومی (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، «رهنمودهایی برای پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان» ـ (رهنمودهای ریاض، 1990 م.) (20).

در راستای ایجاد حداقل استانداردها جهت حمایت از نوجوانان محروم از آزادی به هر شکل، مطابق با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قوانین هاوانا تدوین شد. این قانون با اهداف مقابله با عواقب مخرب هر نوع بازداشت و محرومیت که موجب می‌شود نوجوانان محروم از آزادی در معرض رفتار ناشایست، تعدی و نقض حقوق بشر قرار گیرند، در نظر گرفته شده است. از آنجا که در بیشتر نظام‌ها میان بزرگسالان و نوجوانان در مراحل گوناگون

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

اجرای عدالت تفاوتی قائل نشده و موجب بازداشت نوجوانان در بازداشتگاه‌های بزرگسالان شده، برای این منظور، قانون فوق قوانین مفصلی، از جمله قوانین پذیرش، شرایط، تماس با جهان خارج، اقدامات انضباطی، روش‌های بازرسی و شکایت و... ارائه دادند.

مقررات پکن، استانداردهایی برای حداقل مقررات مطلوب و بدون هیچ نوع تبعیض (از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، عقاید سیاسی یا غیر سیاسی، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، موقعیت مربوط به اصل و نسب یا امور دیگری از این قبیل) پیش‌بینی نموده و به ضرورت ایجاد تشکیلات قضایی نوجوانان به عنوان جزء لاینفک فرایند پیشرفت ملی هر کشور در چارچوب جامع عدالت قضایی برای محافظت از نوجوانان و برقراری نظمی صلح‌آمیز، برای تمامی نوجوانان توجه نموده است.

رهنمودهای ریاض، با اذعان به ضرورت ایجاد شیوه‌ها و تدبیرهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان و با تأکید بر اینکه هر کودکی حقوق اساسی انسانی، از جمله حق دسترسی به تحصیلات رایگان دارد و با توجه به تعداد زیادی از نوجوانان که ممکن است در تعارض با قانون قرار گیرند و این کودکان معارض با قانون ممکن است به حاشیه‌ای رانده و فراموش شوند یا مورد سوءاستفاده واقع شوند یا ممکن است در معرض اعتیاد به مواد مخدر قرار گیرند و به طور کلی دستخوش مخاطرات اجتماعی شوند، خواستار ایجاد معیارهایی برای پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان است که با تأکید بر مساعدت و مراقبت و توسعه اجتماعی، به کشورهای عضو در جهت تدوین و اجرای برنامه‌ها و خط مشی‌های اختصاصی یاری دهد.

البته قوانین پکن، قوانین هاوانا و دستورالعمل‌های ریاض از نظر قانونی لازم‌الاجرا نیستند. با این حال کمیته کنوانسیون حقوق کودک در درخواست خود از کشورهای طرف مقابل برای ادغام این استانداردهای بین‌المللی در «سیاست ملی و جامع ملی عدالت اطفال و نوجوانان» ثابت‌قدم بوده است (21)، در نتیجه می‌توان استدلال کرد که هم قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و هم کنوانسیون حقوق کودک باید به عنوان اجزای یک چارچوب جامع حقوق کودکان و نوجوانان و تنظیم‌کننده عدالت قضایی در نظر گرفته شوند. در این راستا اسناد عمومی حقوق بشر به ویژه اسناد مرتبط با عدالت کیفری کودکان، چارچوب حقوق کودکان را تکمیل می‌کنند.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR، 1966 م.) (22) مواردی، از جمله محاکمه عادلانه (مواد 14 و 15)، رفتار محترمانه و مجازات افراد (مواد 6 و 7) و محرومیت از آزادی (مواد 9 و 10) را مورد توجه قرار داده که مبنای کنوانسیون حقوق کودک پیرو مواد 40 و 37 است. علاوه بر این، میثاق حقوق مدنی و سیاس (ICCPR) در ماده 24، به حق کودک در برخورداری از بالاترین سطح حمایت تأکید کرده است که به اقتضای وضع صغیربودنش از طرف خانواده و حکومت کشور او باید به عمل آید، تصوری که زیربنای کنوانسیون حقوق کودک نیز هست و تمرکز ویژه حقوق کودک در راستای عدالت کیفری کودکان را توجیه می‌کند.

سایر اسناد عمومی، مانند کنوانسیون ضد شکنجه ملل متحد (1984 م.) (23)، کنوانسیون بین‌المللی در مورد حذف همه اشکال تبعیض نژادی (1965 م.) (24)، حداقل استاندارد سازمان ملل متحد در سال 2015 برای رفتار با زندانیان (قوانین نلسون ماندلا (Nelson Mandela، 1957 م.) (25) و حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل برای اقدامات بدون حبس (کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ACHR، 1969 م.) (26) نیز استانداردها و معیارهای عدالت کیفری برای کودکان در تعارض با قانون را پیش‌بینی نموده‌اند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

اهمیت این موضوع سبب شد در سطح منطقه‌ای، انواع مختلف اسناد و قوانین قضایی به چارچوب حقوقی بین‌المللی مربوط به عدالت کیفری اطفال اضافه شد. مناطق اروپایی و بین آمریکایی بیشترین تحولات را در این زمینه گزارش دادند. اسناد حقوق بشری مانند کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به حقوق کودکان اشاره داشتند (27). به عنوان مثال، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر «ACHR» (1969 م.)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (1950 م.). لذا با توجه به ان اسناد، دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر و کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر (کمیسیون بین آمریکایی) مجموعه‌ای از احکام و تصمیمات رو به رشدی را اتخاذ نموده‌اند که مربوط به عدالت کیفری در حوزه اطفال است، از جمله این موارد می‌توان به موارد نقض حقوق کودک، از جمله موارد مربوط به محرومیت از آزادی، دستگیری و بازداشت و بدرفتاری پلیس با کودکان اشاره نمود (28).

در سطح اروپا، کمیته وزرای شورای اروپا توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی را منتشر کرده است که مربوط به سیستم‌های عدالت اطفال است. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: توصیه سال (2003 م.) درباره شیوه‌های جدید برخورد با بزه‌کاری اطفال و نقش عدالت اطفال، (کمیته وزیران شورای اروپا، 2003 م.) (29) قوانین اروپایی سال (2008 م.) برای مجرمان نوجوان مشمول تحریم‌ها یا اقدامات (قوانین اروپایی برای مجرمان نوجوان) (کمیته وزیران شورای اروپا، 2008 م.) (30) و دستورالعمل‌های 2010 در مورد کودکان عدالت دوستانه (دستورالعمل کمیته وزرای شورای اروپا) است (5). این دستورالعمل‌ها به کشورهای عضو شورای اروپا راهنمایی می‌کنند که چگونه کودکان را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر در دادرسی اطفال و نوجوانان مشارکت کنند.

این تحولات نشان‌دهنده ابتکارات مختلف تنظیم استاندارد و معیار عدالت کیفری در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به حقوق کودک است که به هم مرتبط هستند، در نتیجه جهان شاهد ظهور یک چارچوب حقوقی بین‌المللی جامع از ساختار انسانی در حقوق کودکان و نوجوانان می‌باشد. ضرورت این مهم در ماده 40 کنوانسیون حقوق کودک منعکس شده است، مبنی بر اینکه کودکانی که تحت پیگرد قانونی قرار دارند، باید به گونه‌ای رفتار شود که منافع عالیه آن‌ها در راستای ارتقای رشد کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و روحی کودک باشد و بر مشارکت مجدد و سازش وی با جامعه و به عهده‌گرفتن نقشی سازنده در جوامع تمرکز شود. در این راستا کمیته حقوق کودک مقرر داشته، این بدان معناست که سیستم قضایی اطفال باید تشخیص دهد که «کودکان از نظر رشد جسمی و روانی و نیازهای عاطفی و آموزشی خود با بزرگسالان تفاوت دارند» که «پایه و اساس تقصیر کمتر کودکان در تعارض با قانون را تشکیل می‌دهد» (4)، این بدان معناست که باید با کودکان متفاوت از بزرگسالان رفتار شود و مداخله دولت باید با مد نظر قراردادن منافع فردی کودک بزه‌کار و نقش آینده او در جامعه در نظر گرفته شود.

3. معیارهای عدالت کیفری کودک و نوجوان در کنوانسیون حقوق کودک: کنوانسیون حقوق کودک (CRC) که هسته چارچوب جامع حقوقی بین‌المللی کودک را تشکیل می‌دهد، مطابق ماده 40، یک سیستم قضایی خاص برای کودکان را با هدف عدالت اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده است. بر این اساس کودکانی که با قانون در تعارض هستند، حق اعطای حقوق محاکمه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

عادلانه به آن‌ها اعطا شود. همینطور شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز پیرو ماده 37 کنوانسیون فوق ممنوع شده و اعلام می‌دارد مجازات اعدام یا حبس ابد نباید برای کودکان زیر 18 سال اعمال شود و از کشورهای طرف می‌خواهد که محرومیت از آزادی را فقط به عنوان آخرین راه حل و برای کوتاه‌ترین مدت‌زمان اعمال نمایند (31). همراه با اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک مواد 40 و 37 به عنوان یک کاتالیزور برای تنظیم استانداردهای بیشتر در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در تحقق عدالت کیفری عمل کرده است.

در این راستا کمیته حقوق کودک اعلام داشت که سیستم قضایی اطفال باید تشخیص دهد که «کودکان از نظر رشد جسمی و روانی و نیازهای عاطفی و آموزشی خود با بزرگسالان تفاوت دارند» که «پایه و اساس تقصیر کمتر کودکان در تعارض با قانون را تشکیل می‌دهد» (4). این بدان معناست که باید با کودکان متفاوت از بزرگسالان رفتار شود و مداخله دولت باید با مد نظر قراردادن منافع فردی کودک بزه‌کار و نقش آینده او در جامعه در نظر گرفته شود.

کمیته حقوق کودک معتقد است مقامات کشورهای طرف کنوانسیون برای برخورد با کودکان منتسب به تخلف یا ناقض قوانین می توانند از دو نوع مداخله استفاده نمایند: اقدام بدون توسل به دادرسی قضایی و اقدام در چارچوب دادرسی قضایی (31).

بر اساس ماده 40(3) کنوانسیون دولت‌های عضو باید اقدامات لازم برای برخورد با کودکان معارض قانون که مرتکب جرائم سبک شده‌اند، بدون توسل به دادرسی قضایی به منظور خارج‌نمودن آن‌ها از فرایند عدالت کیفری و ارجاع به خدمات جایگزین (اجتماعی و فرهنگی) اتخاذ کنند. از دیدگاه کمیته تعهد دولت‌ها عضو برای برخورد با کودکان معارض قانون بدون توسل قضایی محدود به کودکانی است که مرتکب جرائم سبک شده‌اند (31). رویکرد فوق علاوه بر اجتناب از برچسب‌زنی و بدنام‌سازی کودکان موجب نتایج مؤثر در جامعه‌پذیری کودکان و امنیت عمومی جامعه خواهد شد. این رویکرد در راستای اصول مصرح ماده 40(1) حقوق کودک مبنی بر حق احترام به کودک و رسیدگی بدون توسل به دادرسی کیفری در دادگاه است. حق احترام به کودک ناقض قانون و نوجوان بزه‌کار مطابق ماده 40(1) باید در تمامی کشورها به رسمیت شناخته شود. این امر علاوه بر اینکه موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران می‌شود، از طرفی کودک را نسبت رفتار نادرست خودآگاه می‌کند و باعث افزایش تمایل وی برای سازش با جامعه می‌گردد، لذا کودکان ناقض قوانین از حق برخورد مناسب برای کمک در پذیرش مجدد در جامعه برخوردار هستند، البته از کشورهای عضو نیز خواسته شده که سن مسئولیت کودک را با توجه به نقش سازنده او در آینده جامعه مد نظر قرار دهند. در این راستا، تدابیر حمایتی و حفاظتی مطابق ماده 40(4) کنوانسیون حقوق کودک با تأکید به اصل تناسب و استفاده از آن در عدالت کیفری کودکان و نوجوانان که مستلزم رویکردی مناسب با مد نظر قراردادن «شرایط و سنگینی جرم، بلکه ... سن، مسئولیت کمتر و نیازهای کودک و همچنین ... نیازهای مختلف و به ویژه بلندمدت جامعه» مورد توجه است. از این رو سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در تدوین و اجرای وسیعی از اقدامات برای تضمین برخورد متناسب با رفاه و بهزیستی کودکان ناقض قانون و با مد نظر قراردادن شرایط جرم ارتکابی آن‌ها، به عنوان بخشی از سیاست جامع عدالت قضایی ضروری است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در مورد ماهیت برخورد با کودکان معارض با قانون بدون توسل قضایی در صلاحیت دولت‌های عضو قرار دارد. با این وجود مطابق گزارش برخی دولت‌های عضو برخی اقدامات اجتماعی مبتنی بر خدمات اجتماعی، نظارت و راهنمایی توسط مددکاران اجتماعی یا مأموران نظارت بر اجرای عفو مشروط یا سایر اقدامات عدالت ترمیمی، از جمله جبران خسارت به قربانیان طراحی شده است. در این راستا کمیته حقوق کودک به منظور رعایت ضمانت‌های قانونی بخش‌های مرتبط با ماده 40 کنوانسیون و احترام کامل حقوق بشر موارد ذیل را تأکید نموده است:

ـ اقدامات جایگزین مناسب بدون توسل به دادرسی قضایی باید هنگامی اجرا گردد که شواهد قطعی بر جرم ادعایی کودک وجود داشته باشد و کودک آزادانه و داوطلبانه مسئولیت اعمال خود را بپذیرد، لذا قبول جرم در هیچ یک از دادرسی قضایی بعدی علیه وی مطرح نمی‌گردد.

ـ اقدامات جایگزین قضایی مناسب بدون توسل به دادرسی قضایی باید با موافقت آزادانه و داوطلبانه کودک و اطلاع والدین یا سرپرستان قانونی به طور مکتوب صورت گیرد. رضایت کودک باید مبتنی بر آگاهی کافی و دقیق از مدت و ماهیت اقدامات جایگزین و عواقب قصور در همکاری باشد.

ـ کشورهای عضو باید در قانونگذاری، ماهیت و موارد اقدامات جایگزین قضایی مناسب بدون توسل به دادرسی قضایی را مبرهن نموده و همینطور اختیارات نهادهای ذی‌ربط مانند پلیس، دادستان و... را مشخص نماید.

ـ اقدامات جایگزین قضایی مناسب بدون توسل به دادرسی قضایی باید فرصت و امکانات لازم برای کودک جهت دریافت معاضدت حقوقی یا سایر معاضدت‌ها به منظور مطلوبیت اقدامات جایگزین و مراجع ذی‌صلاح و احتمال بازنگری را فراهم آورد.

ـ اجرای اقدام جایگزین قضایی مناسب بدون توسل به دادرسی قضایی توسط کودک باید به خاتمه قطعی واقعه منتهی گردد و کودک نباید به عنوان فرد دارای سابقه محکومیت قبلی شناخته شود. همینطور امکان نگهداری سوابق به طور محرمانه و به منظور بازنگری یا سایر اقدامات اداری فراهم شود، به طوری که امکان دسترسی اطلاعات مذکور به صورت انحصاری و در یک بازه زمانی محدود به مراجع ذی‌ربط اعطا گردد.

بر اساس مداخله در چارچوب رسیدگی قضایی، مقامات ذی‌صلاح باید اصول محاکمه منصفانه و عادلانه را مورد توجه قرار دهند، لذا نظام عدالت قضایی باید با بهره‌گیری از اقدامات اجتماعی و آموزشی و محدودسازی دقیق به کارگیری محرومیت از آزادی پیش از محاکمه به عنوان آخرین راه حل باشد. حق آزادی کودکان که در ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است. در این راستا، کنوانسیون مقرر داشته «هیچ کودکی نباید به طور غیر قانونی و یا اختیاری زندانی شود»، لذا هرگونه حکم اجرایی مانند دستگیری، بازداشت و یا زندانی‌کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون صورت گیرد و باید به عنوان آخرین راه حل و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باشد. از این رو کنوانسیون تأکید دارد که با کودک زندانی به خاطر مقام ذات انسانی وی، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت، به نحوی که نیازهای مخصوص سن وی در نظر گرفته شود. هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری برخوردار باشد و حق داشتن تماس با خانواده خود را از طریق نامه و ملاقات را داشته باشد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. کنوانسیون از کشورهای عضو می‌خواهد کودکان و نوجوانان از حق

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی‌شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذی‌صلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این‌گونه موارد برخوردار باشند.

کنوانسیون حقوق کودک پیرو ماده 40(2) با تأکید بر ارتقای شؤونات و ارزش کودک که این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده و موجب سازش وی با جامعه می‌گردد، معیارهای عدالت کیفری و دادرسی عادلانه را پیش‌بینی نموده و مقرر می‌دارد «کشورهای عضو تضمینات لازم را در خصوص موارد زیر اعمال نمایند:

الف ـ هیچ کودکی نباید به خاطر اعمالی که در زمان ارتکاب توسط قانون ملی یا بین‌المللی منع نشده، متهم یا گناهکار شناخته شود.

ب ـ هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین‌های زیر خواهد بود: 1ـ بی‌گناه شناخته‌شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت بشود؛ 2ـ اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارده علیه وی، در صورت لزوم از طریق والدین و یا قیم قانونی و (حق) داشتن مشاوره حقوقی و یا سایر کمک‌ها در تهیه و ارائه لایحه دفاعیه؛ 3ـ روشن‌شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بی‌طرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر کمک‌های حقوقی، مگر اینکه این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظرگرفتن سن، موقعیت و یا والدین و یا قیم قانونی کودک؛ 4ـ مجبورنبودن به دادن شهادت و یا اظهار تقصیر و امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت و بررسی اظهارات شاهدان وی در شرایط مساوی؛ 5ـ دسترسی به مقام یا ارگان قضایی ذی‌صلاح، بی‌طرف و مستقل بالاتر بر طبق قانون در صورت مجرم شناخته‌شدن؛ 6ـ حق استفاده رایگان از مترجم، در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد؛ 7ـ محرمانه‌بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی.»

از دیدگاه کمیته، برنامه عدالت نوجوانان بدون توجه نسبت به مجموعه اقدامات پیشگیری از بزه‌کاری، متحمل کاستی‌های زیادی خواهد بود، لذا دولت‌های عضو باید برنامه ملی عدالت را به طور جامع و با استفاده از اصول راهنمای سازمان ملل در زمینه پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان (رهنمود ریاض) اتخاذ کنند.

حق برخورداری از عدالت قضایی و محاکمه منصفانه در دادرسی قضایی مطابق (ب)40، مستلزم آن است که کودک متهم بتواند به طور مؤثر در محکمه حضور یابد. در این راستا ماده 5 (مقررات پکن) مقرر می‌دارد: «تشکیلات قضایی نوجوانان باید بر رفاه و بهزیستی نوجوانان تأکید ورزد و تلاش نماید که هرگونه واکنش در برابر مجرمان جوان باید همواره با شرایط محیطی مجرمان و نوع جرم، هردو، متناسب باشد»، لذا کودکان و نوجوانان در نخستین برخورد نظام قضایی یا در پی بازجویی مطابق ماده 10 قانون فوق «باید والدین یا سرپرستان قانونی را فوراً از چنین بازداشتی باخبر سازند و در جایی که دادن اطلاعات فوری امکان‌پذیر نباشد، باید والدین یا سرپرست را در کوتاه‌ترین زمان ممکن باخبر سازند» و ادامه می‌دهد «بازداشت باید فقط به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین دوره زمانی ممکن مورد استفاده قرار گیرد» و پیرو ماده 14 «باید مقامی صالح (دادگاه، دادسرا، هیأت، شورا و از این قبیل) بر طبق محاکمه منصفانه و عادلانه، به کار آن نوجوان رسیدگی کند. اقدام‌های مربوط به دادرسی باید به نفع نوجوان بیانجامد و باید در محیطی از تفاهم اجرا شود که برای نوجوان میسر باشد که در امور مشارکت کند و عقایدش را آزادانه بیان کند.»

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

بنابراین کنوانسیون حقوق کودک مجموعه‌ای از اصول بنیادین حقوق بشر است که حسن کرامت و ارزشمندی کودک را همانند ماده 1 اعلامیه جهانی حقوق بشر که «همه انسان‌ها به طور آزاد و برابر در کرامت و حقوق متولد شده‌اند» را مورد توجه قرار داده است. همچنین دربردارنده اصل ارتقای احترام به کودک و آزادی‌های دیگران است که در دیباچه منشور ملل متحد نیز تأکید شده است. این اصول باید در تمام اصول دادرسی از اولین تماس کودکان با نهاد ضابط قانون تا فرایند اجرای قانون رعایت گردد.

در این راستا کمیته حقوق کودک، اعلام می‌دارد دولت‌های عضو برای اجرای عدالت قضایی نوجوانان باید اصول عمومی مندرج در ماده 2 (رفتاری برابر با تمامی کودکان معارض با قانون)، ماده 3 (اجرای عدالت با مد نظر قراردادن منافع عالیه کودک از لحاظ رشد جسمانی و روانی و نیازهای عاطفی و آموزشی)، ماده 6 (حق حیات، بقا و رشد باید راهنمای تلاش دولت‌ها در تدوین سیاست‌های ملی برای پیشگیری از بزه‌کاری کودکان و نوجوانان باشد)، ماده 12 (حق کودک برای آزادی بیان و اظهار نظر آزادانه در تمامی موضوعات مربوط به کودک و به طور کامل رعایت و در تمامی مراحل عدالت برای نوجوانان اجرا شود) را به همراه اصول بنیادین عدالت اطفال و نوجوانان در مواد 37 و 40، به طور نظام‌مند قانونگذاری و اجرا کنند (32).

بحث و نتیجه‌گیری

معمولاً اطفال به طور اتفاقی و بدون تفکر قبلی مرتکب جرم می‌شوند، که در صورت آگاهی بخشی به موقع به قبح عمل خود پی می‌برند و به زودی پشیمان می‌شوند. باید توجه داشت کودکان یا نوجوانان ممکن است به طور آگاهانه مرتکب رفتار خلاف شوند و کاملاً هم متوجه عمل غیر قانونی خود باشند، اما نمی‌توانند به درستی عواقب رفتار و آسیب‌ها یا زیان‌های آن را درک کنند.

بنابراین شناسایی عوامل مؤثر در بزه‌کاری کودکان و نوجوانان با توجه به ماهیت شخصیتی کودک (سن، جنس، سلامت جسمی و روانی یا معلولیت)، امنیت در خانواده و آگاهی خانواده از شرایط مخاطره‌آمیز کودکان و نوجوانان و شرایط اجتماعی و اقتصادی و محل سکونت می‌تواند موجب سازگاری اجتماعی کودکان ناقض قانون و پیشگیری از بزه‌کاری گردد.

از طرفی حضور کودکان ناقض قانون نزد مقامات مختلف قضایی در دادسرا و دادگاه جهت پاسخگویی به اتهام خود و توضیحات پی در پی و تکرار پاسخگویی‌ها می‌تواند قبح رفتار مجرمانه را در نظرشان از بین برد و بزه‌کاری را امری عادی جلوه دهد، لذا ماهیت سیاست‌ها و نحوه برخورد عدالت کیفری در کودکان و نوجوانان بزه‌کار که در مرحله رشد و شکل‌گیری شخصیت قرار دارند، بسیار حائز اهمیت است. بر اساس نظریه جرم‌شناسی تعامل‌گرا، اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رواداری کیفری توسط قانونگذاران مورد تأکید قرار گرفته و استفاده از تدابیر دورکننده این بزه‌کاران از پهنه عدالت کیفری به رسمیت شناخته شده که اسباب شکل‌گیری یک شاخه افتراقی را فراهم ساخته است، زیرا بر پایه آموزه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا، هر اندازه مدت حضور بزه‌کاران در عرصه عدالت کیفری بیشتر باشد، احتمال ماندگاری آنان در ورطه بزه‌کاری افزایش می‌یابد.

کنوانسیون حقوق کودک در تمامی تصمیماتی که در رابطه با اجرای عدالت برای کودکان و نوجوانان اتخاذ می‌گردد، منافع عالیه کودک را به عنوان مهم‌ترین ملاحظه نظر گرفته است. کنوانسیون تأکید دارد که کودکان و نوجوانان از لحاظ رشد جسمانی، روانی و نیازهای عاطفی و آموزشی با بزرگسالان تفاوت دارند. بر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

این مبنا کاهش مجازات یا اقدامات جایگزین مجازات را پدید آورده است که دلایل لزوم نظام مجزای عدالت کیفری برای کودکان و نوجوانان و رسیدگی متفاوت را ضروری می‌سازد، بدین‌منظور اقدامات جایگرین بدون توسل به دادرسی قضایی را با اهداف کمک به پذیرش مجدد و قبول نقش سازنده کودک در جامعه در اولویت قرار داده است. بر مبنای دیدگاه کمیته حقوق کودک حق بر عدالت کیفری کودکان و نوجوانان بدون برخورداری از مجموعه اقدامات پیشگیرانه در بزه‌کاری، متحمل کاستی‌های زیادی خواهد بود. از نظر کمیته نظام رسیدگی قضایی به منظور ارعاب انگیزی و بازدارندگی از جرم، در بسیاری از موارد به جهت برچسب‌خوردن عنوان مجرمانه و عدم توجه به آموزه‌های بازپروری ممکن است منجر به رشد بزه‌کاری و گسترش دامنه آن می‌شود. از این رو سیاستگذاری دولت‌ها در نظام عدالت قضایی باید با مد نظر قراردادن منافع عالیه کودک بزه‌کار و نقش آینده او در جامعه، در نظر گرفته شود، زیرا تحقق عدالت برای آن‌ها مستلزم هماهنگی سایر نهادهای مرتبط با حقوق کودکان، همچنین رویکردی است که تأکید می‌کند که کودکان در تعارض با قانون بیش از سایر کودکان نیازمند حمایت و حفاظت هستند. در این راستا، معیارها و استانداردهای بین‌المللی توسط کنوانسیون حقوق کودک با هدف محافظت و حمایت از کرامت و ارزش ذاتی کودکان ناقض قانون و نوجوانان بزه‌کار در برابر پیگرد قانونی و تضمین رفتار عادلانه و خاص در نظام قضایی به منظور سازگاری آن‌ها با جامعه و پذیرش مجدد این افراد در جامعه با توجه به نقش سازنده آن‌ها پیش‌بینی شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

References

1. Salahi J. Delinquency of children and adolescents. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.26-29. [Persian]

2. Abrahamsen D. The psychology of crime. Translated by Sanei P. Tehran: Ganj-e Danesh; 1992. p.85. [Persian]

3. Moazzami SH. Delinquency of children and teenagers. Tehran: Dadgostar Publications; 2016. p.19. [Persian]

4. CRC/C/GC/10. 1921. Para.8.

5. Committee of Minsters of the Council of Europe. Guidelines of the Committee of Ministers of the Council of Europe on Child-Friendly Justice. 1924. Para.12.

6. Abouzari M. Cyber Criminology. Tehran: Mizan Publications; 2016. p.126. [Persian]

7. Niazpour AH. Juvenile Panel Law (The process of responding to the delinquency of children and adolescents). Tehran: Mizan Publications; 2017. p.14. [Persian]

8. Abed Khorasani MR. An introduction to children's rights: A comparative study in national and international systems. Tehran: Mizan Publications; 2010. p.24. [Persian]

9. Declaration on Rights of the Child. 1959. p.55.

10. Moazzami SH. Criminal Sciences (Essays in Honor of Professor Mohammad Ashuri). Tehran: Samt Publications; 2004. p.525-527. [Persian]

11. Abbott P, Wallace K. An introduction to sociology: feminist perspectives. Translated by Najm Araghi M. Tehran: Ney Publications; 2001. p.289. [Persian]

12. Mirabi SP, Zand A. Strategies to prevent delinquency of children and teenagers in the cyberspace. Maragheh: The Second National Conference on Cyber Defense; 2019. p.350. [Persian]

13. Alaghehband A. Sociology of education. Tehran: Heydari Publications; 1995. p.148. [Persian]

14. Zarei AH. (1384). Delinquency and victimization of male adolescents in the field of drugs. Master's Thesis. Tehran: University of Tehran; 2005. p.66. [Persian]

15. Abouzari M. An attitude on the criminal rights of children. Tehran: Mokhatab Publications; 2017. p.145. [Persian]

16. Paoletti S. Working Toward Recognition of the Rights of Migrant and Refugee Children. Edited Todres J, King SH-M. The Oxford Handbook of Children's Rights Law. 2020; 675-695.

17. Goldouzian I. Annotated of the Islamic Penal Code. Tehran: Majd Publications; 2017. p.131. [Persian]

18. UN Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (Bejing Rules). 1985. UN Doc. A/RES/40/33.

19. UN Rules for the Protection of Juveniles Deprived of Their Liberty (Havana Rules). 1990. UN Doc. A/RES/45/113.

20. United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR), Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency, The Riyadh Guidelines. 1990. UN Doc. A/RES/45/112.

21. UN Committee on the Rights of the Child (CRC Committee), General Comment No.10, Children's Rights in Juvenile Justice. 2007. UN Doc. CRC/C/GC/10, Paras.4, 8, 17.

22. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). 1966. UN Doc. A/6316.

23. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. 1984. G.A. Res. 39/46, 39th Sess., UN Doc. A/RES/39/46.

24. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination. 1965. UN Doc. A/6014.

25. The Nelson Mandela Rules are a revised version of the 1955 UN Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners'. 1957. UN. GA Res, A/RES/663.

26. American Convention on Human Rights (ACHR). 1969; entered into force 1979. Arts.5(5), 19.

27. American Convention on Human Rights (ACHR). 1969. Para.148-152.

28. Bernard TJ, Snipes JB, Gerould AL, Vold GB. Vold's Theoretical Criminology. 7th ed. Oxford: Oxford University Press; 2015. p.307.

29. Council of Europe Committee of Ministers, Recommendation Rec: Concerning New Ways of Dealing with Juvenile Delinquency and the Role of Juvenile Justice. 2003.

30. Council of Europe Committee of Ministers, Recommendation Rec. On the European Rules for Juvenile Offenders Subject to Sanctions or Measures. 2008. Available at: https://www.unicef.org/tdad/councilofeuropejjrec08(1).pdf.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

31. UN Committee on the Rights of the Child (CRC Committee). General Comment No.10, arts.40 and 37, Para.22.

32. CRC/C/GC/10. Para.5-12.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.